

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان / سال پنجم / شماره شانزدهم / زمستان ۹۳ / صفحات ۱۴۰-۱۲۳

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی دانشگاه‌های آزاد منطقه ۳ کشور بر یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان آکادمیک (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل)*

مریم کاویانی چراتی^۱

شعبان بریمانی^۲

ابوالقاسم حیدرآبادی^۳

چکیده

امروزه اساتید دانشگاه‌های مختلف دنیا با رشته‌های مختلف دانشگاهی جهت پیشرفت آموزشی و ارتقاء رتبه پژوهشی خود نیاز مبرم به یادگیری زبان انگلیسی دارند. پس لازمه این مهم این است که آنها نگرش مثبتی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی داشته باشند. در این رابطه نقش عوامل اجتماعی نیز می‌تواند تأثیرگذار و مهم باشد. در این پژوهش سعی بر آن است که عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی دانشگاه‌های آزاد منطقه ۳ کشور نسبت به یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان آکادمیک مورد بررسی قرار گیرد و مطالعه موردی این پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل می‌باشد. ابزار گردآوری این پژوهش نیز پرسشنامه بوده که به طور تصادفی توسط ۱۰۰ استاد عضو هیأت علمی و حق‌التدریس واحد بابل تکمیل گردیده است. نتایج این تحقیق نشان داد که بین عوامل اجتماعی و نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود دارد و در واقع برخی عوامل اجتماعی می‌تواند بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی تأثیرگذار باشد. حدود ۴۴/۷ درصد از تغییرات نگرش به متغیرهای مستقل مربوط است و متغیرهای میزان تشویق والدین و دوستان و میزان مهارت‌های زبانی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار هستند. همچنین نقش متغیر مهارت‌های زبانی بیشتر از نقش سایر متغیرها است. همچنین در انتهای این پژوهش پیشنهاداتی به منظور کمک به پیشرفت آموزش زبانی اساتید مطرح شده است که از جمله آنها اتخاذ سیاست‌های خاص توسط دانشگاه‌ها بوده به طوری که زبان انگلیسی به طور جدی به عنوان یکی از زبان‌های اصلی یادگیری و آموزش مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه: عوامل اجتماعی، نگرش، تشویق والدین و دوستان، یادگیری زبان انگلیسی، مهارت‌های زبانی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۰

۱- گروه زبان انگلیسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران mary.kaviani2010@gmail.com

۲- گروه زبان انگلیسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران ashahin2000@yahoo.com

۱- مقدمه

امروزه یادگیری زبان انگلیسی یک ضرورت انکارناپذیر است چراکه زبان انگلیسی، زبان علم و پژوهش است و آموزش رشته‌های مختلف با افزایش روند جهانی‌سازی، ارتباطات بین‌المللی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، تجارت جهانی و آموزش علوم جدید همگی به زبان انگلیسی صورت می‌گیرند و عدم آشنایی با این زبان برابر با عدم زندگی در دنیای مدرن امروزی است. زبان انگلیسی از زبان‌های زنده و بین‌المللی دنیاست و به عنوان یک زبان بین‌المللی جهت ارتباط بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها تعیین شده است. این زبان به عنوان زبان دوم یا خارجی در اکثر کشورهای جهان (محل کار، تجارت بین‌المللی، رسانه‌های جهان، صنعت گردشگری و تجارت، آموزش، تکنولوژی و مناسبت‌های دیپلماتیک) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

متأسفانه در کشور ما آموختن زبان انگلیسی بعد از دو دوره راهنمایی و دبیرستان و در ورود به دانشگاه با مشکل جدی عدم توانایی در آموختن زبان همراه است. تدریس زبان از آموختن چند کلمه یا جمله و نکات دستوری فراتر نمی‌رود و مدرسین مجبور به تدریس مقوله‌هایی هستند که دانش‌آموزان و دانشجویان باید آن را امتحان بدهند. بنابراین زبان‌آموزی جنبه‌ی رسمی و سنتی دارد. در بیشتر مدارس از زبان اول در تدریس زبان دوم استفاده می‌شود و در دانشگاه‌ها نیز تقریباً این رویه دنبال می‌شود.

بدون شک با توجه به گسترش روند جهانی‌شدن و افزایش وابستگی متقابل جهانی و ارتباطات جمعی که اغلب مستلزم توانایی عملکرد در بیش از یک زبان است بررسی وضعیت زبانی نخبگان و یا طبقه تحصیل‌کرده در جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه، اساتید، جهت انجام کارهای تحقیقاتی خود مانند شرکت در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی خارج کشور، ارائه مقالات ISI و استفاده بهینه از دانش جهانی به یادگیری زبان انگلیسی نیاز دارند. شایان ذکر است که اساتید ممکن است در رشته‌های مختلف تدریس کنند اما همه آنها جهت پیشرفت آموزشی‌شان به یادگیری زبان انگلیسی نیاز دارند.

در یادگیری زبان خارجی عوامل مختلفی دخالت دارند که بر پروسه یادگیری تأثیر می‌گذارند مثل نگرش و انگیزه (گاردنر، ۱۹۶۰؛ لهن، ۲۰۰۶). نگرش مجموعه‌ای از اعتقادات، عواطف و نیت رفتاری نسبت به یک شیء، شخص یا واقعه است. به عبارتی تمایل نسبتاً پایدار به شخص، چیزی یا رویدادی که در احساس و رفتار نمایان می‌شود (گاردنر، ۱۹۸۵). باور بر این است که افراد دارای نگرش مثبت معمولاً پیشرفت بهتر و سریعتری در یادگیری زبان خارجی دارند.

آناستازی (۱۹۷۵) نگرش را این طور تعریف می‌کند: میل به انجام واکنش به شیوه‌ای خاص در برابر محرک‌ها. در این زمینه باید اذعان کرد که اساتید رشته‌های مختلف، نگرش مختلفی را نیز نسبت

به یادگیری زبان انگلیسی دارند (ابنیان، ۲۰۱۲). موضوع نگرش و اهمیت بسیار آن در شکل دادن به زندگی افراد واقعی کنمان ناپذیر است. این امر هر روز بیش از پیش مورد توجه متخصصان و عموم مردم قرار می‌گیرد. لیکن کمتر به این امر توجه می‌شود که تغییر نگرش چرا و چگونه؟ اینکه باید نگرش‌ها را تغییر داد و به تعبیر سهراب سپهری «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید» (سپهری، ۱۳۶۹، ۲۹۱). مفهوم نگرش با مفهوم احساس خوب یا بد نسبت به یک شخص یا یک چیز همراه است. بنابراین مفهوم نگرش با یک صفت مثبت یا منفی همراه می‌باشد. نگرش را می‌توان به عنوان حالت بدنی، آمادگی آزمودنی برای عمل، آمادگی روانی و عصبی، عکس‌العمل عصبی مثبت یا منفی، برداشت، احساس یا اعتمادی که یک شخص نسبت به یک شخص دیگر، یک گروه، یک اندیشه، یک موقعیت یا یک شیء دارد تعریف کرد (کریمی، ۱۳۸۶، ۱۲۳).

بنا به نظر منتل - بروملی (۱۹۹۵) نگرش‌ها بر روی آموزش یادگیری زبان خارجی تأثیر می‌گذارند و نوعی واکنش عاطفی و ارزشیابی‌کننده محسوب می‌شوند. اما اینکه چگونه باید نگرش‌ها را تغییر داد، موضوعی است که کمتر مورد عنایت بوده است. تفاوت بین شکل‌گیری نگرش‌ها و تغییر آنها بسیار ظریف است، به این صورت که اطلاعات جدید، باورهای افراد را نسبت به موضوع نگرش تغییر می‌دهند و این به نوبه‌ی خود، به تغییر ارزشیابی مثبت و منفی منجر خواهد شد و در نتیجه نگرش شخص تغییر خواهد کرد (پارسا، ۱۳۷۴).

باور عمومی بر این است که نگرش‌ها، مهارت‌ها و استراتژی‌های زبان‌آموزان نشان‌دهنده این است که آیا آنها مجذوب پیچیدگی‌های زبان می‌شوند یا خیر (آکسفورد، ۱۹۹۰؛ نونان، ۲۰۰۰). در این رابطه به پژوهشی در ارتباط با جامعه‌شناسی زبان استناد شده است که نتیجه تحقیق این بوده که عوامل اجتماعی، روانشناسی و فرهنگی بر نگرش افراد در یادگیری زبان تأثیر می‌گذارند.

بر اساس دیدگاه برخی محققین (لانگ، ۲۰۱۰؛ گاردنر، ۱۹۸۵) یکی از مهمترین عوامل یادگیری زبان، عامل اجتماعی می‌باشد. به بیان دیگر، یادگیری زبان جوامع دیگر جدای از بافت اجتماعی آن جامعه نیست. در واقع، تفسیر معنا در تمام ارتباطات، وابسته به بافت می‌باشد که دربرگیرنده مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی می‌باشد. بر اساس نظریه‌های برخی محققین (گایلز، ۱۹۸۲؛ استرانگ، ۱۹۸۳، اسمیت، ۱۹۹۵؛ گاردنر، ۱۹۸۸)، بافت اجتماعی به عنوان عامل تغییردهنده نگرش افراد نسبت به یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی به حساب می‌آید.

این مقاله درصدد است تا به طور ویژه تأثیرات عوامل اجتماعی مانند سن، تشویق و حمایت خانواده و دوستان و طبقه اجتماعی اساتید را بر نگرش آنها در موفقیت و عدم موفقیت در یادگیری زبان انگلیسی بررسی نماید. امید است که این پژوهش تا حدی مشکلات موجود در مسیر یادگیری

زبان انگلیسی به عنوان زبان آکادمیک را مرتفع نموده و با ارائه پیشنهاداتی موجبات پیشرفت علمی و پژوهشی اساتید به طورخاص و دیگر قشرهای جامعه به طور عام را فراهم آورد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی می‌باشد و بنابراین به کسب اطلاعات دقیق در مورد نگرش اساتید نیاز است. همچنین در صدد است تا تعیین کند که نگرش نسبت به کاربرد زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزش و یادگیری مثبت می‌باشد یا منفی. این پژوهش تلاش می‌کند تا نشان دهد که چطور می‌توان نگرش اجتماعی مثبت را نسبت به یادگیری زبان انگلیسی افزایش داد.

۲- بیان مسأله

امروزه زبان انگلیسی که یک زبان بین‌المللی است آن طور که باید در مدارس و دانشگاه‌های برخی کشورها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این طور به نظر می‌رسد که در بین اساتید غیرزبانی استفاده از زبان مادری در داخل و خارج از کلاس عمومیت دارد. حتی برخی از آنها جهت تدریس موضوعات تخصصی از زبان مادری استفاده می‌کنند اما در نهایت از دانشجویان انتظار می‌رود که به سؤالات امتحانی به زبان انگلیسی پاسخ دهند. مشکل دیگر این است که برخی از اساتید در مدارس تحصیلی کرده‌اند که امکانات آموزشی آن مدارس در سطح پایین بوده و حتی کتابخانه‌ای نیز در آن وجود نداشته است پس آنها نه تنها در منازلشان از زبان انگلیسی استفاده نمی‌کردند بلکه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و روزنامه‌هایی که در دسترس آنها بود نیز نمی‌توانست دانش‌زبانی آنها را بالا برده و در واقع به یادگیری زبان انگلیسی کمکی بکند. اکثر اساتید تنها زمانی که در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی جهانی، شرکت می‌کنند در معرض استفاده از زبان انگلیسی قرار می‌گرفتند. بنابراین دانش‌زبانی آنها ناکافی بوده و از نظر گرامری و برقراری ارتباط با مشکل مواجه می‌شوند. همچنین متأسفانه برخی از اساتید در خانواده‌هایی متولد شده‌اند که از طبقه اجتماعی پایین بوده و رشد چندان در خصوص ایجاد نگرش‌های مثبت و تقویت ترم‌های اجتماعی مؤثر جهت یادگیری زبان انگلیسی نداشته‌اند.

در ارتباط با اهمیت پژوهش باید گفت که آموزش و پرورش ایران باید سیاست‌های یادگیری زبان خارجی خود را برطبق دستورالعمل جهانی یادگیری زبان‌های خارجی، بازبینی نماید. همچنین کلیه اساتید غیرزبانی باید بتوانند عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش‌ها را شناسایی کرده و آنها را تقویت نمایند.

علاوه بر این، یافته‌های تحقیق ممکن است تغییراتی را در روند سیاست‌گذاری در داخل کشور ایجاد نماید و نظام آموزشی ایران باید استراتژی‌هایی را جهت آموزش و یادگیری مؤثر و پویای زبان انگلیسی به کار گیرد.

بر طبق نظریه برخی محققین (استارک و پالتیج، ۱۹۹۶) یادگیری یک زبان رابطه بسیار نزدیکی با نگرش نسبت به آن زبان دارد. این امکان وجود دارد که تلاش‌هایی در جهت تقویت نگرش اجتماعی مثبت نسبت به یادگیری زبان انگلیسی صورت گرفته باشد اما قطعاً این تلاش‌ها کافی نبوده و تلاش‌های بیشتری باید صورت گیرد. دو واقعیت که در این زمینه می‌توان به آن استناد کرد این است که اغلب اوقات، عوامل اجتماعی که بر نگرش تأثیر می‌گذارد و میزان اثرگذاری آن ناشناخته باقی می‌ماند و واقعیت دیگر این است که پروسه یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران دینامیک و پویا نیست.

در این تحقیق تلاش بر این است که نشان دهد عوامل اجتماعی چطور و به چه میزان بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی ایرانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی تأثیرگذار می‌باشد.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پیشینه نظری

بر طبق نظریه آدلر (۱۹۷۳) روان‌شناسی اجتماعی علمی است که به طور دقیق و مؤثر به تحقیق در مورد چرایی و چگونگی واکنش افراد در بافت‌های اجتماعی می‌پردازد. در واقع روان‌شناسی اجتماعی مطالعه موضوعات، مشکلات و مسائل مرتبط با روان‌شناسی و جامعه است. روان‌شناسی اجتماعی، اثرات حضور دیگران را بر رفتار فرد یا رفتار خود مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. روشن است که تأثیر دیگران بر فرد مستلزم وجود روابط متقابل بین خود با دیگران است، به بیان دیگر روان‌شناسی اجتماعی به عنوان علم مطالعه رفتار متقابل بین انسان‌ها یا علم مطالعه تعامل انسان‌ها شناخته می‌شود. تعریف دیگری نیز شده است از جمله: روان‌شناسی اجتماعی روش مطالعه‌ی علمی رفتار و واکنش و عملکردهای فرد در حضور جمع یا حضور تلویحی افراد است.

تفاوت روان‌شناسی اجتماعی با جامعه‌شناسی در این است که جامعه‌شناسی کلیات جامعه از جمله آمار، مهاجرت، نسبت تعداد افراد براساس جنسیت و حرکت جامعه به سوی گرایش خاص را بررسی می‌کند اما روان‌شناسی اجتماعی رفتار فرد در جامعه را بررسی می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲). در نتیجه می‌توان گفت این علم مانند لبه تیغ عمل می‌کند و یکی از زیرگروه‌های اصلی و مرتبط با آن نگرش می‌باشد (ژو، ۲۰۰۲). فرضیه‌ای وجود دارد که اذعان می‌دارد برای اولین بار ابراهام تسر در سال ۱۹۸۳

نگرش را مطرح نمود و اذعان داشت که شدت تمایل یا عدم تمایل، به آرایش ژنتیکی افراد بستگی دارد. دی بوت، لوی و ورسور (۲۰۰۵) ادعا نمودند که معلمین، اساتید، زبان‌آموزان و محققین همگی متفق‌القول هستند که میزان انگیزه و نگرش مثبت افراد در یادگیری زبان دوم تأثیر بسزایی داشته و به یادگیری زبان دوم کمک شایانی می‌کند. باکر (۱۹۸۸) معتقد است که نگرش‌ها مرتبط با وراثت نمی‌باشد بلکه استعدادهایی است که در وجود هر فرد نهفته است.

در این مقاله محققان به دنبال بررسی گرایش یا نگرش هستند. گرایش، یک حالت عاطفی مثبت یا منفی نسبت به یک موضوع است. یا «ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها، و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معینی، گرایش شخص نسبت به یک موضوع اجتماعی است» (آپورت، ۱۹۳۵)، گرایش را یک آمادگی فکری و احساسی می‌داند که بوسیله تجربه سازماندهی می‌شود و بر روی پاسخ‌ها (عکس‌العمل‌های) فرد نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با آنها سر و کار دارد، تأثیری جهت‌دهنده یا پویا می‌گذارد.

تجربه ← گرایش (آمادگی فکری و احساسی) نسبت به پدیده‌ای ← عکس‌العمل (رفتار) نسبت به آن پدیده

به طور کلی گرایش از سه عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری تشکیل می‌شود:

الف) بُعد شناختی گرایش: میزان آگاهی اساتید از وجود، ویژگی‌ها و کارکردهای یادگیری زبان انگلیسی. ب) بُعد احساسی گرایش: احساس علاقه یا تنفر اساتید نسبت به زبان انگلیسی. ج) بُعد رفتاری گرایش: آمادگی ارزیابی، اظهارنظر و یا انجام عمل اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی. یکی از نظریات مهم در خصوص گرایش، نظریه آیزن و فیش باین است. در این نظریه علاقه، ناشی از نوعی گرایش است؛ یعنی در انسان ابتدا گرایش و بُعد علاقه به وجود می‌آید و سپس علاقه و گرایش و گرایش به عمل تبدیل می‌شود. در مطالعات اجتماعی از این نظر، به گرایش توجه بسیار شده است که پژوهشگران آن را زمینه‌ساز رفتار می‌دانند. کولتز پژوهشگر علوم ارتباطی عقیده دارد که گرایش‌ها را می‌توان گونه‌ای از نظام‌های پیچیده و منظم عقیدتی دانست که انسان‌ها را آماده بروز واکنش‌های رفتاری خاص می‌کند. افزون بر این، نظام‌های پیچیده تمامی ابعاد رفتار بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۹). مشهورترین و مهمترین نظر در زمینه گرایش توسط آیزن و فیش باین (۱۹۸۸: ۱۱۶) ارائه گردیده است. آنها در پس‌یافتن یک نظریه برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می‌کنند. به نظر آنها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه ما قبل بروز رفتار، قصد و نیت به انجام یک رفتار است. به وجود آمدن قصد و نیت، به نوبه خود تابع دو متغیر دیگر است (رفیع-پور، ۱۳۷۲: ۹).

۱- گرایش به سوی آن رفتار که یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار

با یک پدیده را از نظر خودش ارزیابی می‌کند.

۲- هنجار هنی که نشان‌دهنده نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص برای انجام یک رفتار است و در تحقیق حاضر تنها تأثیر متغیر گرایش بر رفتار مورد نظر است. میزان هر یک از دو متغیر (گرایش و هنجار) در بوجود آمدن قصد و نیت، همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد. در این نظریه گرایش به نوبه خود تابع دو عامل دیگر در نظر گرفته شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۱۰)

۱- انتظار فایده به معنی آن که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد.

۲- ارزیابی فایده که طی آن شخص ارزیابی می‌کند آیا آن پدیده به نظر او فایده دارد یا نه.

سنجش گرایش در مورد موضوعات گوناگون پژوهشگران یادشده را بر آن داشت تا به اقتضای موضوع و جامعه آماری مورد مطالعه، تغییراتی جزئی پیرامون گرایش در چهارچوب نظری خود بدهند. عده‌ای به ابعاد دیگری از گرایش و یا متغیرهای دیگر اشاره کرده‌اند. تزیسه و کرومکا در تحقیقی که درباره گرایش کشاورزان نسبت به اداره ترویج داشته‌اند، گرایش را به سه بعد تجزیه می‌کنند و معتقدند که گرایش در رابطه با موضوع آنها دارای سه دسته از عناصر است:

۱- عناصر ادراکی ۲- عناصر ارزشیابانه ۳- عناصر عملی و رفتاری (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۱۶)

بر اساس این نظریه در بررسی حاضر عنصر ادراکی در واقع درک اساتید از ضرورت اطلاعات مربوط به زبان انگلیسی است که نوعی نگرش در آنها ایجاد می‌کند. عنصر عملی و رفتاری شرکت اساتید در کلاس‌های زبان انگلیسی و عنصر ارزشیابانه در واقع، همان بعد ارزشیابی فایده است. گوردن آلپورت (۱۹۷۳) در بررسی خود درباره نگرش‌ها اشاره می‌کند که نگرش می‌تواند به عنوان یک گرایش و آمادگی برای پاسخگویی مطلوب یا نامطلوب نسبت به اشیاء، اشخاص، مفاهیم یا هر چیزی تلقی شود. بنای تعریف یادشده فرض‌های مهم زیر است (میچل، ۱۳۷۳: ۱۹۲).

۱- نگرش با رفتار رابطه دارد. شخص بر اساس نگرش خود نسبت به چیزی، این آمادگی را دارد که به گونه‌ای خاص رفتار کند.

۲- نگرش، متغیری یک بعدی است که بستگی به احساس شخصی نسبت به یک موضوع دارد، آن احساس ناشی از التفات، علاقه و یا کشش و جاذبه است.

۳- نگرش؛ احساس نهفته در فرد است. پیامدهای نگرش را می‌توان مشاهده کرد لیکن خود آن قابل رؤیت نیست. در این تحقیق نگرش به صورت شرکت در کلاس‌های یادگیری زبان انگلیسی ظاهر می‌گردد.

بر اساس نظریه‌های نیاز و انگیزش، نیاز؛ به نیروی ذهنی اطلاق می‌شود که موجب انگیزش و

سرزدن رفتار خاصی از آدم می‌گردد تا نیاز پدید آمده ارضاء شود. از دید روان‌شناسان نیاز، متغیر انگیزاننده‌ای است که باعث رفتار خاصی در فرد می‌شود (بابایی، ۱۳۷۸: ۲). جامعه‌شناسان نیاز را با توجه به پیوستگی و ارتباط فرد با جامعه پیرامونش مطالعه می‌کنند. آنها نیاز را کمتر یک پدیده طبیعی و فطری با هدف مشخص بلکه بیشتر تلفیق شده از سوی جامعه می‌دانند. به همین دلیل دارندورف (۱۹۵۹) واژه علائق را به نیاز ترجیح می‌دهد (رفیع‌پور، ۱۳۶۴: ۱۵).

۳-۲- پیشینه تجربی

تحقیقات و پژوهش‌های زیادی انجام شده تا تأثیر نگرش یادگیرندگان نسبت به زبان خارجی را به طور عام و زبان انگلیسی را به طور خاص بررسی کند.

زین‌العابدین (۲۰۱۲) در مورد تأثیر نگرش دانش‌آموزان مدارس راهنمایی بر یادگیری زبان انگلیسی از بعد رفتاری، شناختی و عاطفی تحقیقاتی انجام داد. او دریافت که تفاوت معناداری در نگرش این دانش‌آموزان نسبت به یادگیری زبان انگلیسی وجود دارد که مرتبط با اطلاعات دموگرافیکی مانند جنسیت، سن، رشته و میزان تحصیلات می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که نگرش منفی پاسخ‌دهندگان به یادگیری زبان انگلیسی احتمالاً به این دلیل است که آنها از اهمیت زبان انگلیسی آگاه نبوده و تنها از روی اجبار آن را یاد می‌گرفتند. چلک و کسائی (۲۰۱۰) در مورد تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی-روانشناختی بر یادگیری زبان انگلیسی دانشجویان مطالعاتی انجام دادند. تحقیقات آنها به ابعاد نگرش دانشجویان و نگرش آنها به زبان دوم معطوف بود. نتایج تحقیق نشان داد یادگیرندگان ایرانی که زبان مادری آنها انگلیسی نیست این زبان را به دو دلیل برقراری ارتباط و سودمندی آن فرا می‌گیرند و نگرش آنها نسبت به یادگیری زبان انگلیسی بسیار مثبت می‌باشد.

مومانی (۲۰۰۹) نیز در مورد تأثیر نگرش یادگیرندگان نسبت به یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی و موفقیت آنها در درک مطلب زبانی تحقیقاتی را انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌کنندگان تحت پژوهش وی، نگرش مثبتی به یادگیری زبان انگلیسی دارند. همچنین رابطه بسیار عمیقی بین نگرش دانشجویان نسبت به یادگیری زبان انگلیسی و بهبود عملکرد آنها در درک مطلب انگلیسی وجود دارد. شمس (۲۰۰۸) در پژوهش خود اذعان داشت که رابطه نزدیکی بین نگرش، انگیزه، عوامل اجتماعی و میزان استرس افراد در یادگیری زبان انگلیسی وجود دارد و هر چه این انگیزه و نگرش بیشتر باشد یادگیری زبان دوم آسانتر خواهد بود. دی سرف (۲۰۰۲) نیز تحقیقاتی را در مورد تأثیر خانواده، عوامل اجتماعی، دستاوردهای آموزشی کودکان انجام داد. وی با توجه به تحقیقاتش

پیشنهاد داد چون خانواده و عوامل اجتماعی بر دستاوردهای آموزش زبان انگلیسی کودکان تأثیرگذار است، دولت باید سیاست‌هایی را به کار گیرد که سبب تقویت عوامل اجتماعی - اقتصادی شده و از شکاف آموزشی بین گروه‌ها و اقلیت‌های نژادی بکاهد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

از آنجایی که این پژوهش در صدد است تا تأثیر عوامل اجتماعی را بر روی نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی مورد سنجش قرار دهد. لذا به شش مؤلفه اجتماعی استناد شده و در نتیجه در این پژوهش شش فرضیه وجود دارد که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. بین جنسیت و نگرش اساتید رشته‌های غیر زبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد.
۲. بین سن و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین رشته تحصیلی و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد.
۴. بین طبقه اجتماعی و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد.
۵. بین میزان مهارت‌های زبانی و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین میزان حمایت و تشویق خانواده و دوستان و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است تا اطلاعاتی را در مورد تأثیر عوامل اجتماعی بر نگرشها و عقاید اساتید رشته‌های غیرزبانی دانشگاه‌های آزاد منطقه ۳ کشور در مورد کاربرد زبان انگلیسی به عنوان زبان آکادمیک در دانشگاه‌ها جمع‌آوری نماید و به طور مطالعه موردی اساتید دانشگاه آزاد واحد بابل برای این تحقیق در نظر گرفته شد که تعداد این اساتید در دانشگاه مذکور، ۳۷۰ نفر (۱۳۰ عضو هیات علمی و ۲۴۰ حق التدریس) بوده است. شایان ذکر است که بر حسب تکنیک نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. نکته قابل ذکر دیگر این است که

اندازه نمونه (sample size) بر اساس جدول Morgan و Kerjcie تعیین شده و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه بوده است. در قسمت اول پرسشنامه که مرتبط با اطلاعات فردی پاسخ دهندگان می‌باشد، سؤالات در مورد سن، جنسیت، وضعیت تاهل، شرابط اقتصادی والدین، طبقه اجتماعی و تراز مهارت‌های زبانی آنهاست. در قسمت دوم پرسشنامه، سؤالات مربوط به مؤلفه‌های متغیر وابسته (نگرش) می‌باشد. ابتدا از ۲۰ استاد خواسته شده بود که با توجه به مقیاس لیکرت به هر سؤال پاسخ دهند. امتیازات بالاتر نشان‌دهنده موافقت پاسخ‌دهندگان با هر سؤال بود. پس از تست آزمایشی (pilot testing) پرسشنامه‌ها به نمونه‌ها داده شد و از آنها خواسته شد که جهت بالارفتن دقت تحقیق بدون ذکر اسامی به سؤالات پاسخ دهند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از طریق SPSS بوده و آمارهای مربوط به این تحقیق هم شامل جداول تک بعدی، مد، میانگین، انحراف معیار، واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و در نهایت رگرسیون چندمتغیره می‌باشد.

۶- یافته‌های پژوهش

توزیع پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی نشان می‌دهد که ۲۵ درصد آنها رشته علوم انسانی، ۲۶ درصد رشته‌های علوم پایه، ۲۵ درصد رشته‌های فنی و مهندسی و ۲۴ درصد رشته‌های پزشکی می‌باشد. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات نشان می‌دهد که اکثریت (با ۷۶ درصد) تحصیلات دکتری دارند. حدود ۲۴ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس هستند. از بین پاسخگویان ۷۴ درصدشان را مردان تشکیل داده و ۲۶ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دهند.

در بین پاسخگویان یک درصد جزو طبقه پایین، ۷ درصد طبقه متوسط به پایین، ۴۱ درصد طبقه متوسط، ۴۸ درصد طبقه متوسط به بالا و ۳ درصد جزو طبقه بالا هستند. حدود ۴۰ درصد افراد مورد مطالعه سنی کمتر از ۳۹ سال دارند. حدود یک درصد میزان تسلط شان به زبان انگلیسی خیلی کم بوده است، ۱۰ درصد کم، ۵۳ درصد متوسط، ۲۳ درصد زیاد و ۱۳ درصد خیلی زیاد به زبان انگلیسی تسلط داشتند. حدود ۶۰ درصد در کلاس‌های زبان انگلیسی شرکت کردند و ۴۰ درصد در کلاس‌های زبان انگلیسی شرکت نکردند.

میزان مهارت در زبان انگلیسی در بخش نوشتن انگلیسی، ۳ درصد خیلی کم، ۹ درصد کم، ۴۹ درصد متوسط، ۳۰ درصد زیاد و ۹ درصد خیلی زیاد مهارت دارند که اکثریت مهارتشان در حد متوسط می‌باشد. در بخش خواندن انگلیسی، ۱ درصد خیلی کم، ۹ درصد کم، ۴۵ درصد متوسط، ۳۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد خیلی زیاد مهارت دارند که اکثریت مهارتشان در حد متوسط است. در بخش مکالمه

و صحبت کردن، ۱۴ درصد خیلی کم، ۳۰ درصد کم، ۳۲ درصد متوسط، ۱۴ درصد زیاد، ۱۰ درصد خیلی زیاد مهارت دارند و اکثریت مهارت آنها در حد متوسط است. در بخش شنیدن انگلیسی، ۶ درصد خیلی کم، ۱۸ درصد کم، ۴۳ درصد متوسط، ۲۳ درصد زیاد، ۱۰ درصد خیلی زیاد مهارت دارند و اکثریت مهارت آنها در حد متوسط است. در بخش ترجمه انگلیسی ۸ درصد خیلی کم، ۴۰ درصد متوسط، ۲۰ درصد زیاد و ۸ درصد خیلی زیاد مهارت دارند. این نشان می دهد که در تمام مهارت‌های زبانی اکثر پاسخگویان در حد متوسط مهارت دارند.

۷- آزمون فرضیات

۷-۱- تفاوت بین جنسیت و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی

به منظور بررسی این فرضیه پژوهش، از آزمون t-test استفاده شده است. با توجه به اطلاعات جدول، مقدار (sig) محاسبه شده از $(\alpha=0/05)$ بیشتر می‌باشد. پس در $(\alpha=0/05)$ ، فرض صفر تأیید شده و این نشان می‌دهد جنسیت اساتید مرد و زن تحت فرض عدم برابری واریانس‌ها با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند. بنابراین بین جنسیت اساتید رشته‌های غیرزبانی و نگرش آنها نسبت به یادگیری زبان انگلیسی رابطه معنی‌داری وجود ندارد و جنسیت بر نگرش تأثیر معناداری ندارد.

جدول ۱: بررسی تأثیر جنسیت بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی

مقایسه واریانس		مقایسه میانگین گروه‌ها		شاخص‌های آماری			جنسیت
sig	F آماره	انحراف معیار	میانگین	تعداد	t	درجه آزادی	
۰/۱۱۲	۰/۷۳۸	۸/۱۳۱	۸۳/۳۷	۷۴	- 0/906	۹۸	مرد
۰/۳۶۷		۸/۴۸۰	۸۵/۰۷	۲۶			زن

۷-۲- رابطه بین سن و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی

جهت بررسی وجود رابطه بین سن و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد همبستگی بین سن و نگرش اساتید برابر با $(-0/102)$ می‌باشد. مقدار (sig) از آزمون همبستگی بیشتر از $(\alpha=0/05)$ است لذا آزمون معنادار نیست و فرض صفر تأیید شده و بین سن و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین سن و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان

ضریب همبستگی پیرسون	sig
-۰/۱۰۲	۰/۳۱۱

۳-۷- تفاوت بین رشته تحصیلی و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان

انگلیسی

جهت سنجش تفاوت بین رشته تحصیلی و نگرش اساتید رشته غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است. طبق اطلاعات بدست‌آمده از جدول و با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری بدست‌آمده محاسباتی بیشتر از $(\alpha=0/05)$ می‌باشد پس بین رشته تحصیلی و نگرش اساتید تفاوت معناری وجود ندارد و فرضیه صفر تأیید می‌شود.

جدول ۳: بررسی تفاوت بین رشته تحصیلی و نگرش اساتید غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی

sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۳۲۴	۱/۱۷۳	۷۸/۷۶۴	۳	۲۳۶/۲۹۱	درون گروهی
		۷۸/۱۳۰	۹۶	۶۴۴۴/۴۶۹	بین گروهی
			۹۹	۶۶۸۰/۷۶۰	مجموع

۴-۷- تفاوت بین طبقه اجتماعی و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان

انگلیسی

جهت بررسی وجود تفاوت بین طبقه اجتماعی و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است. بررسی نشان می‌دهد آزمون بین طبقه اجتماعی و نگرش اساتید برابر با $(3/283)$ می‌باشد. مقدار (sig) کمتر از $(\alpha=0/05)$ است، لذا آزمون معنادار است و فرض صفر رد شده و بین طبقه اجتماعی و نگرش اساتید تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴: بررسی تفاوت بین طبقه اجتماعی و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان

سطح معناداری	مقدار آزمون F
۰/۰۰۴	۳/۲۸۳

۵-۷- رابطه بین مهارت‌های زبانی و نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی

H0: بین مهارت‌های زبانی و نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مهارت‌های زبانی و نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: بررسی رابطه بین مهارت های زبانی و نگرش اساتید

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
۰/۶۰۹	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد همبستگی بین میزان مهارت زبانی و نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی (۰/۶۰۹) می‌باشد. مقدار سطح معناداری کمتر از ($\alpha=0/05$) است لذا آزمون معنادار می‌باشد و فرض صفر تأیید نشده و بین میزان مهارت زبانی و یادگیری زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود دارد.

۷-۶- رابطه بین تشویق والدین و دوستان و نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی

جدول ۶: بررسی رابطه بین میزان تشویق والدین و دوستان و نگرش اساتید

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
۰/۵۶۴	۰/۰۰۰

جهت بررسی وجود رابطه بین میزان تشویق والدین و دوستان و نگرش اساتید رشته‌های غیربانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بررسی جدول فوق نشان می‌دهد همبستگی بین تشویق والدین و دوستان و نگرش اساتید (۰/۵۶۴) می‌باشد. مقدار سطح معناداری کمتر از ($\alpha=0/05$) است لذا آزمون معنادار است و فرض صفر رد شده و بین میزان تشویق والدین و دوستان و نگرش اساتید رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

۷-۷- تحلیل رگرسیون چندمتغیره

رگرسیون چندمتغیره و تحلیل رگرسیونی از بهترین روش‌های تحلیلی است که تأثیرهای مشترک و مجزای متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته ارزیابی و مورد سنجش قرار می‌دهد. در این پژوهش از روش رگرسیونی چندمتغیره به شیوه همزمان یا توأم استفاده شده است. مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۶۶۹ بوده که نشان دهنده رابطه نسبتاً بالای بین متغیرهای مستقل و میزان نگرش است. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۴۴۷ بوده و بیانگر این حقیقت است که ۴۴/۷ درصد از تغییرات نگرش به این متغیرهای مستقل مربوط است. مقدار خطای استاندارد برآورد برابر با ۰/۳۰ بوده که قدرت پیش‌بینی رگرسیون را نشان می‌دهد و مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۵۷) نیز نشانگر استقلال بین داده‌ها است.

جدول شماره ۷: خلاصه نتایج رگرسیون چندمتغیره نگرش اساتید نسبت به یادگیری زبان انگلیسی

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار	آزمون دوربین واتسون
۰/۶۶۹	۰/۴۴۷	۰/۴۱۱	۶/۳۰	۱/۵۷
$F = 12 / 52$			$Sig = . / . . .$	

بررسی آزمون آنالیز واریانس معنادار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری آن را تأیید می‌کند. ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای میزان تشویق والدین و دوستان و میزان مهارت‌های زبانی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار هستند. با توجه به مقادیر ضریب رگرسیونی استاندارد شده نقش متغیر مهارت‌های زبانی بیشتر از نقش سایر متغیرها است.

جدول شماره ۸: ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با نگرش اساتید

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	ضریب بتا	آزمون t	سطح معناداری
جنسیت	۱/۹۱	۱/۴۵	۰/۱۰۳	۱/۳۱۱	۰/۱۹۳
سن	-۰/۶۰۹	۰/۰۸۱	-۰/۰۷۰	۰/۸۵۵	۰/۳۹۵
رشته تحصیلی	-۰/۲۳۱	۰/۶۴۳	۰/۰۳۱	۰/۳۵۹	۰/۷۲۰
طبقه اجتماعی	۰/۰۲۵	۰/۹۹۴	۰/۰۰۲	۰/۰۲۶	۰/۹۸۰
مهارت زبانی	۰/۶۲۸	۰/۱۶۹	۰/۴۲۳	۳/۷۲۵	۰/۰۰۰
تشویق خانواده و دوستان	۰/۷۵۴	۰/۲۶۴	۰/۳۱۶	۳/۰۶۰	۰/۰۰۰

۸- نتایج پژوهش

این پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با پدیده زبان انگلیسی به عنوان زبان آکادمیک، شرکت-کنندگان نگرش متفاوتی را نسبت به زیرمجموعه‌های عوامل اجتماعی داشتند که بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی تأثیر می‌گذارد.

در این تحقیق دریافتیم که برخی عوامل اجتماعی بر نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی تأثیر می‌گذارد. در این رابطه، تلاش شده است تا نشان داده شود که این تأثیرات با در نظر گرفتن تعدادی متغیر مثل سن، طبقه اجتماعی و حمایت و تشویق خانواده و دوستان می‌باشد.

همانطور که می‌دانید و بر اساس یافته‌های پژوهش ارتباط معناداری بین سن و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی وجود ندارد ولی رابطه معناداری بین طبقه اجتماعی و تشویق و حمایت خانواده با دوستان و نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی نسبت به زبان انگلیسی به عنوان زبان آکادمیک وجود دارد. به عبارت دیگر، طبقه اجتماعی و تشویق و حمایت خانواده و دوستان

تأثیر مثبت بر روی نگرش اساتید رشته‌های غیرزبانی دارد و هر چه این تأثیر بیشتر باشد نگرش اساتید نیز مثبت‌تر خواهد بود.

۹- پیشنهادات پژوهش

نگرش‌های مثبت زبانی به یادگیرندگان اجازه می‌دهد که جهت‌گیری‌های مثبتی را نسبت به یادگیری زبان انگلیسی داشته باشند اما متأسفانه در کشور ما، ایران، به طور مختصری به این مقوله پرداخته شده است. اگر به زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در جامعه ایران نگریسته نشود و اهمیت آن درک نشود یادگیرندگان نمی‌توانند گام‌های مؤثری در یادگیری زبان دوم بردارند. یکی از دلایل ممکن است این واقعیت باشد که اکثر افراد نگرش مثبتی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی ندارند- که آن هم ممکن است به دلیل نقص در سیستم آموزشی ایران باشد- اما انگلیسی که مبتنی بر فرهنگ باشد می‌تواند به یادگیری مفید ختم شود. دلیل دیگر ممکن است این باشد که عموم هنوز اهمیت زبان انگلیسی را در زندگی روزمره درک نکرده‌اند و آن را تا زمان بزرگسالی به تعویق می‌اندازند یعنی درست تا زمانی که مجبور شوند به خاطر نیازها و ارتقاء شغلی و ... زبان انگلیسی را بیاموزند. بنابراین تراز آگاهی فی‌نفسه ناکافی بوده و نیاز است که شیوه‌های مؤثر جهت اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در زمینه یادگیری زبان انگلیسی صورت گیرد. پس یادگیری و آموزش مبتنی بر استراتژی در نظام آموزش و پرورش ایران، می‌تواند راه حل دیگری باشد که سبب ایجاد نگرش مثبت به یادگیری زبان انگلیسی شود، هر چند میزان این آگاهی زیاد نباشد.

دانشگاه‌ها باید سیاستی را اتخاذ کنند که زبان انگلیسی به عنوان یکی از زبان‌های اصلی و مهم در یادگیری و آموزش باشد و هدف آن هم کمک به اساتید و دانشجویان به منظور ارتقاء آموزشی و پژوهشی و به روز بودن آنان باشد. البته زبان انگلیسی باید به عنوان یک فرهنگ در خانواده‌ها نیز نهادینه شود. والدین، کودکان خود را تشویق کنند تا زبان انگلیسی را از همان اوان کودکی بیاموزند. در واقع می‌توان گفت که ایجاد محیط آرام و خوشایند می‌تواند معلمان و دانش آموزان را تشویق کند تا با علاقه به یکدیگر، به زبان انگلیسی صحبت کنند. لازم است عوامل اجتماعی شناسایی شده و عوامل اجتماعی مثبت تقویت شود و این سیاست در جامعه القاء شود که یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند عامل پیشرفت شخص در این کره خاکی باشد.

فهرست منابع

۱. بابایی، محمود، (۱۳۷۸)، نیازسنجی اطلاعات، مرکز اطلاعات و مدارک علمی، تهران.

۲. پارسا، محمد، (۱۳۷۴)، روان‌شناسی تربیتی، انتشارات سخن، تهران.
۳. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستائیان به جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
۴. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۶۴)، جامعه‌شناسی روستایی و نیازهای آن، پژوهشی در ۲۲ روستای برگزیده استان یزد، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۵. سپهری، سهراب، (۱۳۶۹). هشت کتاب، کتابخان طهوری، تهران.
۶. کریمی، یوسف، (۱۳۸۶)، روان‌شناسی اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۷. محسنی، منوچهر، (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، تهران.
۸. مهدی‌زاده، تورج، (۱۳۹۲)، تأثیر متقابل ارتباطات و روان‌شناسی اجتماعی، انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد.
۹. میچل، ترانس آر، (۱۳۷۳)، مردم در سازمان‌ها: زمینه رفتار سازمانی، ترجمه حسین شکرکن، انتشارات رشد، تهران.

10. Adler, S. (1973). Social class bases of Language: A Reexamination of Socio-economic, Socio psycho-logical and Socio-linguistic factors. *Asha*, 15(1), 3-9
11. Anastasi, C. (1957). Attitude of in-service and pre-service primary school teachers. *Journal of Education Psychology* 36(3), 1-5.
12. Baker, N. (1988). *Professional development: teaching and learning*. McGRAW-hill, New York.
13. Chalak, A. Kassaian, Z. (2010). Motivation and attitudes of Iranian undergraduate EFL students towards learning English. *GEMA Online Journal of Language Studies*, 10(2), 37-56.
14. Desherf, M. (2002). *The effects of family, social and background factors on children's educational attainment*. Digital Commons, Illinois Westeyan University.
15. Fakeye, D. (2010). Students' personal variables as correlates of academic achievement in English as a second language in Niegeria. *Journal of Social Sciences*, 22(3), 205-211.
16. Gardener, R. (1985). *Social psychology and second language learning*. The role of attitudes and motivation. London: Edward Arnold.

17. Gardner, R. C. (1960). *Motivational variables in second-language acquisition*. PhD Thesis: McGill University.
18. Ibnian, S. (2012). *Group work and attitudes of Non-English major students towards learning EFL*. *International Journal of Humanities and Social sciences*. In *Second Language Learning: Correlational and Experimental Considerations*. intrinsic extrinsic, and integrative orientations and motivations.
19. Lehman, S. (2006). Second-language learning and changes in the brain. *Journal of Neurolinguistics*, 9(21), 509-521.
20. Long, M. (2010). *The role of linguistic environment in second language acquisition*. In W. Ritchie and T. Bhatia (Eds.) *Handbook of second language acquisition*. Santa Cruz, CA: Center for Research on Education.
21. Momani, M. (2009). The Jordanian secondary stage students achievement in reading comprehension according to their views towards learning English as a foreign language. *Journal of Human Sciences*, 42, 1-36. [Online] Available: [http://www.ulum.nl/The%20Jordanian .pdf](http://www.ulum.nl/The%20Jordanian.pdf) (August 11, 2011).
22. Munoz, C. (2010). *How age affects foreign language learning*. *Advances in research on language acquisition and teaching*.
23. Nunan, D. (2000). *Language teaching methodology (2nd ed.)*. Harlow: Pearson Education Ltd.
24. Oxford, R.L. (1990). *Language learning strategies: What every teacher should know*. Boston: Heinle & Heinle Publishers.
- 25.. Shams M. (2008) .Students' attitudes, motivation and anxiety towards English language learning. *Journal of Research*, 2(2): 121-144.
- 26.. Smitt. J. (1995). *A new English for a New South Africa language attitudes planning*.
27. Starks, D., & Paltridge, B. (1996). A note on using sociolinguistic methods to study nonnative attitudes towards English. *World Englishes*, 15(2), 217-224.
28. Strong, M. (1983). Integrative motivation; cause or result of successful second language acquisition? *Language Learning* 34(3), 1-14.
- 29.. Zeinol Abedin, M. (2012). *EFL students' attitudes towards learning English language*, 8(2), 116-134.
30. Zhou, M. (2002) *The spread of Putonghua and language attitude changes in*

Shanghai and Guangzhou. Journal of Asian Pacific Communication, 11(2), 231-253.